



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۴/۰۴



عبدالقیوم میرزاده

## ملت

## منافع ملی

## دولت - ملت در افغانستان



بخش دوازدهم

## معضل بیکاری و اشتغال

پیش گفتار نویسنده بجای مقدمه: وضعیت ناهنجار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و گسترش نا امنی در سراسر کشور، افتراق و چاق شدن اختلافات گوناگون قومی، مذهبی، جنسیتی و زبانی روز افزون میان مردم، فاصله گرفتن مردم از فهم و درک منافع ملی در کشور ما عزم را به جزم کشاند تا این ناهنجاری ها را تا حد توان و امکانات دست داشته زیر عنوان (ملت - منافع ملی و دولت ملت) به تحریر و به معرفی بگیریم. در این نوشته سعی بر آن داشته ام تا خصوصیت های اساسی مشکلات فرا روی همزیستی، همدلی، همنوایی مردم مارا زیر یک چتر افغانستان شمول به نام مقدس افغان با کند و کلو نشانی کرده و معرفی کنم .

بیکاری در کشور ما یکی از معضلات بسیار خطرناکی دیگر است که هم امنیت عمومی کشور هم اقتصاد و هم روابط اجتماعی شدیداً از آن متأثر می باشد. با وصف آنکه کدام احصائیه معتبر در زمینه وجود ندارد با آنها اکنون ادارات احصائیه رقم ۸۰۰ هزار بیکار را از مجموع افراد واجد شرایط کار در کشور را ارائه میدهند که رقم ۲۳% بیکاری را از مجموع افراد واجد شرایط کار که بر اساس احصائیه های منتشره دولت افغانستان ده میلیون تخمین زده شده است نشان میدهد که همچنان سالانه حدود ۵۰۰ هزار نفر از صنف ۱۲ مکاتب و مؤسسات تحصیلات عالی فارغ شده و به رقم بیکاران افزوده میشوند در حالیکه اداره کار و امور اجتماعی در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶) از خالی بودن حدود ۲۵ هزار محل کار در ادارات دولتی حکایت دارد. اما

اداره ملل متحد و بانک جهانی رقم بیکاران را در افغانستان سه میلیون نفر گزارش می‌دهند که در هر دو رقم ارائه شده زنان خانه شامل نیستند، اگر زنان در امور اجتماعی و اقتصاد جامعه فعال گردند این تعداد دو برابر افزایش پیدا میکند، که به گزارش ادارات حکومت افغانستان و اداره مهاجرت سازمان ملل متحد بازگشت مهاجرین از کشورهای پاکستان و ایران به افغانستان پیوسته به این معضل مؤثر بوده است. دولت این معضله را به دو فکتور اساسی برگشت مهاجرین از کشورهای پاکستان و ایران و از بین رفتن محلات کار در ساحات تحت نفوذ طالبان ارتباط داده و از زیر بار مسؤلیت شانه خالی میکند، در حالیکه در اثر جنگ های فرسایشی چهار دهه اخیر بر اساس آمار منتشره اداره ملل متحد بین ۸۵ تا ۹۲٪ هستی کشور به شمول چراگاه ها، زمین های زراعتی، سیستم آبیاری سنتی و مدرن کاملاً تخریب شده که برای اعمار مجدد این همه خرابه ها نه تنها تمام افراد مستعد نفوس افغانستان به کار گماشته میشد بلکه دو برابر آن به نیروی کار نیازمند میبودیم، اما با تأسف بنا بر عدم مدیریت سالم اقتصادی، فهم کاملاً وارونه و نادرست از سیستم اقتصاد بازار از دولت گرفته تا سرمایه دار و صاحبان فابریکه ها و مردم همه و همه به بیراهه رفتند. اداره دولت و ارگان های امور اقتصاد در عرصه مکلفیت و مسؤلیت شان بر طبق مواد قانون اساسی کشور مبنی بر تأمین کار و معیشت برای مردم کاملاً منفعل شده و در این عرصه خلای مسؤلیت ایجاد گردید.

بر اساس آمار داده شده بانک جهانی و اداره اقتصاد افغانستان در سال ۲۰۱۵ در نتیجه همین بیکاری، پائین بودن سطح درآمد ها، مدیریت ناسالم امور اقتصادی کشور، نبود سیستم منظم آبرسانی و آبیاری برای زارعین، تفاوت فاحش زندگی شهری و روستایی و بزرگتر شدن روز تا روز فاصله میان اقشار دارا و نادار ۳۶٪ مردم ما در زیر خط فقر زندگی می کنند، اداره ملل متحد این اصطلاح را به کسانی ابلاغ میکند که عواید روزانه کمتر از یک دالر باشد. دلایل بیکاری هرچه باشد دولت مکلفیت دارد تا در تفاهم با سرمایه داران ملی، صاحبان فابریکات تولیدی، مالکین صنایع کوچک و ظرفیت، مدیران امور اقتصاد و زراعت کشور، مسؤولین اتحادیه های پیشه وران و سایر اصناف محلات کار ایجاد و عدد بیکاری را در کشور کاهش دهند زیرا این معضل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و مستقیماً امنیت عمومی کشور را تهدید میکند. یقیناً افراد بیکار یک جامعه در شرایطی که روحیه وطن دوستی و منافع ملی هم بلندگد بسیار آسیب پذیر بوده و برای هر کاری در اذای دریافت پول آماده میباشند آنهم در وضعیت موجود که همسایگان و سایر متجاوزین و دشمنان کشور ما چون گرگان طماع برای تخریب کشور ما در کمین نشسته و برای تحقق اهداف شان از هر نوع امکان بهره برداری می کنند. همچنان موجودیت نرخ بالای بیکاری در میان جوانان و قشر تحصیل یافته و متخصص آنهم در کشوری که در گوشه و کنار آن جنگ بیداد میکند، حتی رئیس جمهور از رفت و آمد هلیکوپتر های ناشناس در گوشه و کنار کشور شکوه کرده و خود را چون فرد نا توان و بیچاره جلوه میدهد، مافیایی ها و جنگ سالاران مردم و هست و بود شانرا می چاپند، دستگاه تبلیغات سازمانهای استخبارات خارجی در گوش مردم آینده تاریخ را زمزمه میکنند، جوانان دیپلوم بدست در بدر دنبال کار میگردند به فرار مغز ها و تخلیه کشور از افراد متخصص منجر میگردد. این جریان هم یکی از اهداف استیلا گران میباشد، که از یکطرف میلیارد ها دالر ثروت در تربیه و تحصیل و تخصص فرزندان این کشور صرف گردد و از طرف دیگر قشر آگاه جامعه که از تحصیل فارغ و اکنون زمان مناسب برای آبادانی کشور، تفکر سالم و احساس مسؤلیت نسبت به وطن پیدا کرده است از کشور مجبور به فرار گردانند. زیرا افراد آگاه و روشنفکر جامعه همیشه خار چشم استیلا گران بوده و می باشند، این پروسه در کشور ما تا کنون چندین بار به تکرار گرفته شده است، تأثیرات روانی بیکاری از همه مهمتر جامعه را تهدید میکند، زیرا افرادی که توانمندی کار را دارند و از آنها کار گرفته نمیشود و بیچاره شدن یک فرد توانمند که نتواند مسؤلیت های اجتماعی، پدری و فرزندی اش را به جامعه و خانواده انجام دهد از یکطرف اعتماد به نفس خویش را از دست داده و در زیر فشار روانی به فرد عصبی و مریض تبدیل میگردد و در چنین حالت اختلال روانی برای هر عمل خرابکارانه مساعد میگردد، گذشته از همه این پیامد های منفی بیکاری عبارت از ضیاع بی بازگشت منابع بسیار پر ارزش کار میباشد که اگر هر ساعت قیمت کار یک فرد را ضرب یک واحد پولی کنیم و این را ضرب در تعداد روز ها و سال هایی که یک فرد تحصیل یافته و یا سایر بیکاران بیکار میماند و ضرب در تعداد مجموع

حقیقی بیکاران که در کشور وجود دارند کنیم ببینید چه یک رقم درشتی از منابع موجود کشور خویش را رایگان از دست می‌دهیم در پهلوی آن اگر این افراد بیکار، متخصصین و تحصیل‌یافتگان مصروف کار تولید و اعمار در کشور می‌بودند، ارزش حقیقی ثمره کار آنها که عبارت از تولید ناخالص ملی می‌باشد هم به آن افزود گردد، آنگاه است که به مفهوم واقعی بیکاری پی خواهید برد که چه درون مایه و ارزش بزرگ ملی را ما از دست می‌دهیم و همچنان اگر این بیکاران در صف مخالفین و دشمنان کشور قرار گیرند و در اثر فعالیت خرابکارانه و دهشت افگانه به اقتصاد ملی ضربه وارد کنند حاصل جمع این عدد هم در حاصل ضرب عدد بالا افزود می‌گردد. کوتاه سخن بیکاری در کشور ما به معنی حقیقی خانه خرابی می‌باشد. به این سبب خواستم این مسئله با اهمیت را هم با شما دوستداران افغانستان عزیز در میان گذاشته و مکتی در این باب کنیم.

در مباحث اقتصاد بیکاری را عدم استفاده کامل از نیروی کار تعریف می‌کنند و بیکار را کسی که دارای توانمندی کار بوده و در جست و جوی کار هم باشد ولی کار پیدا کرده نتواند معرفی می‌کند. بیکاری انواع مختلف مانند بیکاری موسمی، ساختاری، ادواری، اصطکاک‌ی و بیکاری مخفی داشته که در اوضاع کشور ما بیکاری های ساختاری و مخفی از خطرناکترین نوع بیکاری می‌باشند. بیکاری ساختاری به بیکاری گفته می‌شود که در اثر عدم تقاضا به تولیدات مؤسسات صنعتی و زراعتی مؤسسه تعطیل گردد و افراد شاغل آن بیکار گردند، در کشور ما متأسفانه بنا بر عدم موجودیت حمایت قانونی از صنایع مصرفی ملی نوپا و ورود سیل آسای صنایع مصرفی از خارج کشور خصوصاً کشور های همسایه چون ایران و پاکستان صنایع داخلی نمی‌تواند در برابر این غول های تولیدی رقابت کند این امر باعث می‌گردد که فابریکه ها و مؤسسات صنعتی ما به رکود مواجه شده و کارگران و کارمندان به سیل بیکاران کشور بیافزایند و بیکاری مخفی به بیکاری اطلاق می‌گردد که عده کثیری از افراد واجد شرایط کار جامعه در کاری مصروف باشند که با عده بسیار کمتری از شاغلین کار میتوان آنرا انجام داد، این نوع بیکاری که در ظاهر امر نیروی فعال را به کار گماشته اند و ادارات اقتصادی آنان را از لیست بیکاران حذف کرده اند در حالیکه حاصل تولید شان صفر می‌باشد. این نوع بیکاری خطرناک در افغانستان در ساحات زراعت، اصناف و سکتور دولتی وجود دارد. عده کثیری از مردم در سکتور زراعت خود را شاغل قلمداد می‌کنند در حالیکه هیچ حاصلی از تولید زراعتی ندارند، همچنان در سکتور های مختلف اصناف در شهر ها هزاران و ده ها هزار نفر در صنف هایی از بازار مشغول اند که برای امتعه خویش متقاضی ندارند و در سکتور دولتی عده بیشماری از منسوبین به کاری مصروف اند که تعدادی به مراتب کمتری از شاغلین میتوانند آنرا انجام دهند یعنی بازده کار صد نفر معادل بازده کار ده نفر می‌باشد که البته موضوع بحث ما کنکاش حرفوی سکتور اقتصاد نبوده بلکه نمایاندن گوشه های خطرناک و مخرب امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور بوده تا از پیامد های مخرب آنها که تا کنون ما را به سیاه چال بدبختی های بسیار ریشه دار انداخته و آفت های بیشماری را دامنگیر ما کرده است پی برده و چاره ای بجویم تا از این مصیبت خود و مردم خویش را نجات داده و در شاهراه امنیت و رفاه رهنمون گردیم.

تجربه نشان داده است که یکی از بهترین تکنیک ها برای رفع بیکاری در کشور هایی که اقتصاد متکی به زراعت دارند همانا سرمایه گذاری های بزرگ برای گسترش شبکه آبیاری و میکانیزه ساختن زراعت، توزیع تخم های بذری، سرمایه گذاری در بخش باغداری به شیوه های مدرن، اعمار سرد خانه ها با ظرفیت های بزرگ، ایجاد سیستم بسته بندی مناسب برای صدور و رقابت با مارکیت میوه منطقه و جهان می‌باشد، از آنجاییکه افغانستان از دیر زمانی کشور متکی به اقتصاد زراعتی بوده و بخش بزرگی از مردم ما در این سکتور شاغل بودند و زراعت و مالداری شاهرگ اقتصادی کشور محسوب می‌شد. چون در اثر جنگها و خشکسالی های ممتد زمین های زراعتی قسماً و یا کاملاً از بین رفته و سیستم آبیاری ما هم واژگون شد بناء همه شاغلین این سکتور به شهر ها پناه آورده و به سیل بیکاران افزودند. چون دولت توجه لازم به احیا، تقویت و توسعه سکتور زراعت، آبیاری و دامداری نکرده است که با اضافه ضریب رشد نفوس تعدد بیکاران در کشور از همین ناحیه رو به افزایش است. بناء همان طوریکه گفته آمدیم همه مردم خصوصاً دهاقین و دامداران و باشندگان قریه جات و قصبات با فشار مضاعف بالای دولت توجه فراوان آنها را به رشد و توسعه امور زراعتی و دامداری مبذول داشته و سرمایه های فراوان در این سکتور

مهم اقتصادی کشور برای احیای مجدد تأسیسات زیر بنایی زراعت، سیستم آبرسانی مدرن، توسعه و انکشاف دامداری یا مالداری، توسعه و ایجاد چراگاه‌های بزرگ و سیستم تهیه و تولید علوفه و خوراک حیوانات در موسم سرما و زمان خشکسالی‌ها، توسعه ماشین‌زری زراعتی، تربیه کندر فنی و متخصص برای زراعت و مالداري جذب و تشویق گردد. برای سرمایه‌گذاران در سکتور زراعت، ماشین‌زری زراعتی، آبرسانی زراعتی و دامداری امتیازات قانونی داده شود و این سکتور برای سرمایه‌گذاری جذاب شده تا سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در این سکتور تشویق گردند.

یک مسئله با اهمیت دیگر در عرصه صنعت تولید تغییر ستراتیژی کشورهای بزرگ صنعتی در باره تولید صنعتی می‌باشد. از تحلیل وضع در کشورهای صنعتی پیشرفته بر می‌آید که این کشورها هم اکنون بیشتر به فکر تولید تکنالوژی، ایده‌های تولیدی و فروش تکنالوژی می‌باشند تا تولیدات صنعتی و این تولیدات صنعتی و یا فابریکات آهسته آهسته به کشورهایی که نیروی کار ارزان دارند منتقل می‌گردد. این تغییر برای کشور ما فرصت طلایی است، سرمایه‌گذاران ما در تحت حمایت دولت می‌توانند چنین انتقالات صنعتی را به کشور خویش منتقل سازند و هزاران و ده‌ها هزار محلات جدید کار ایجاد کنند، که البته پیش شرط اساسی این کار ایجاد سیستم تربیه کندر فنی و مسلکی در سطوح مختلف تحصیلی را میکند تا بصورت سیستماتیک و نوامدار کندر مسلکی برای این تولید صنعتی وجود داشته باشد.

همچنان ایجاد و توسعه صنعت و تربیه کندر فنی و مسلکی برای این مأمول هم برای رفع بیکاری بسیار با اهمیت می‌باشد زیرا صنعت محور اصلی اقتصاد کشورها بوده و این سکتور می‌تواند بیشترین افراد جامعه را در خود مشغول گرداند. همچنان رعایت استندرد های قبول شده بین المللی در زیر کنترل اداره استندرد کشور در همه عرصه‌های تولیدی، استخراج، صادرات و واردات می‌تواند کیفیت تولید را بالا برده و رقابت با امتعه تولید خارجی را به نفع صنایع ملی تغییر داده و در رشد و توسعه صنایع و فابریکات اثر گذار باشد. دولت مسؤولیت دارد تا از یکطرف سیستم اقتصادی کشور را پلایزه کرده و برای فابریکات و مؤسسات تولید صنعتی شرایط کار مساعد، انرژی، سیستم آبرسانی و کانالیزاسیون و امنیت را تأمین کند، به این ترتیب میشود که سرمایه‌گذار و اصناف تحت حمایت دولت به آرامش خاطر از محفوظ بودن سرمایه‌های شان اطمینان داشته باشند و برای اینکار مجبور نباشند به دامان گروپ‌های مسلح غیر قانونی دست دراز کنند و همه از کنترل دولت خارج گردد، که در افغانستان متأسفانه بنا بر عدم موجودیت حس وطندوستی و منابع ملی، دید نادرست دولت از سیستم بازار و نقش ضد ملی خارجی‌ها مخصوصاً پاکستان و ایران بزرگترین فابریکه‌ها و مؤسسات تولیدی کشور چون فابریکه‌های نساجی و پشمینه بافی کابل، هرات، قندهار، بلخ، پلخمري، گلپهار، و فابریکه‌های سمنت غوری و جبل السراج، فابریکه‌های استخراج و تولید ذغال سنگ کرکر، آتش‌پشته، دره صوف و سبزک فابریکه قند بغلان و صد‌ها فابریکه و مؤسسه تولیدی دیگر که ده‌ها هزار کارگر را در خود مصروف داشته بودند به عناوین مختلف راکد و غیر فعال گردیدند که بزرگترین ضربه مهلک بر پیکر اقتصاد کشور ما و مترادف با خیانت ملی محسوب می‌گردد. بر اساس گزارش اتاق‌های تجارت و صنایع کشور در افغانستان بصورت مجموعی ۱۵ هزار فابریکه و مؤسسه تولیدی وجود دارد که بنا بر عدم توجه دولت و عواملی که در بالا از آن ذکر بعمل آوردیم هم اکنون صرف حدود چهار هزار این فابریکه‌ها و مؤسسات تولیدی فعال می‌باشند در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ در حدود ۱۲۰۰ فابریکه از فعالیت بازمانده و در خطر انقراض قرار دارند که کارگران و کارمندان این مؤسسات به سیل بیکاران کشور افزوده اند.

برای انکشاف صنایع و جذب نیروی کار و متخصص افغان در سکتور صنایع و خانه‌سازی لازم است تا تدابیر جدی برای بلند رفتن کیفیت تحصیل و سیستم تدریس مخصوصاً در بخش تحصیلات عالی و حرفوی اتخاذ گردد زیرا از این طریق میتوان جایگزین مناسب برای حرفویان، کارمندان مسلکی، و متخصصین خارجی پیدا کرد و از ورود و استخدام خارجیان در پروژه‌های فنی جلوگیری بعمل آید. دولت، بانگ‌ها و ارگان‌های اداره اقتصادی می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های فعال بازار کار در بخشهای مختلف صنایع کوچک، ساختمان، حفاظت محیط زیست، صحت و صنایع دستی با اعطای قرضه‌ها، یارانه‌ها و حمایت مستقیم مالی عده فراوان افراد مستعد را شامل پروسه تولید گردانند.

بخش دیگری از سکتور اقتصادی مسئله معادن و استخراج آن میباشد که در صورت ایجاد سیستم برنامه ای تحت کنترل دولت بالای معادن و استخراج آن و ایجاد شبکه راه های مواصلاتی، ترانسپورت و ترانزیت در تمام ساحات معادن در گام نخست همان محلاتی که هم اکنون بوسیله قاچاقبران ملی و بین المللی بصورت غیر قانونی و غیر حرفه ای استخراج جریان دارد برای ده ها هزار تن از مردم ما محلات کار ایجاد شده و از فروش و صدور آن منفعت بزرگ اقتصادی نصیب ملت ما میگردد، که متأسفانه این بخش هم مانند سایر بخشها بنا بر همان مشکل اساسی یعنی نبود فرهنگ منافع ملی در میان مردم می لنگد. هم اکنون در ساحات معادن تحت استخراج کشور ما سازمان استخبارات نظامی پاکستان سیطره طالبان را هموار کرده است و با تمام قوت این نیروها مورد حمایت و مراقبت آنها قرار دارند تا معادن بصورت غیر قانونی استخراج و به پاکستان منتقل و به نام پاکستان صادر میگردد. بر اساس گزارشات رسمی نمایندگان ادارات معادن افغانستان هم اکنون قراردادهای رسمی میان دولت پاکستان و کشورهای خارجی منجمله کشور چین عقد گردیده که حکایت از صدور آن اقلام مواد معدنی دارد که از افغانستان بصورت غیر قانونی استخراج و به شکل قاچاق به پاکستان انتقال می یابد و در سراسر پاکستان چنین مواد معدنی وجود ندارد. اگر دولت ملی در افغانستان حاکم باشد اثبات این مسئله و کشانیدن پای پاکستان به میز محاکمه بین المللی کار مشکلی نیست. هم اکنون معادن افغانستان تحت چپاول مستقیم قرار دارد و بهانه اداره معادن موجودیت طالبان، و بهانه اردو و پولیس نبود ظرفیت دفاعی همه و همه از یک تجاوز سازمان یافته حکایت دارد که در نبود احساس وطن دوستی و فرهنگ منافع ملی همه خاموشانه ناظر این تراژیدی بزرگ اند. همان طوریکه در عوامل بیکاری در کشور اشاره کردیم نبود روحیه، احساس و فرهنگ منافع ملی در میان رهبران، تصمیم گیرندگان و مجریان اداره دولت در همه امور منجمله در سکتور اقتصاد کشور چون زراعت، آبیاری، دامداری، صنایع، تجارت و تربیه اهل فن و کدر فنی و مسلکی و همچنان نبود فرهنگ منافع ملی در میان دست اندر کاران این سکتور، سرمایه داران، دهاقین، دامداران، تاجران و کوتاه سخن در میان همه مردم ما باعث گردیده است که این گوشه زندگی نیز مخالف منافع ملی کشور ما در جهت منافع بیگانگان مخصوصاً همسایگان مغرض و متجاوز سیر کرده، دهقان ما با نداشتن فکر منافع ملی و دیدگاه دور اندیشانه از خیر و صلاح همه مردم یکعده به زراعت بی حاصل، نا بسامان و بی برنامه پرداخته و عده دیگر زیر ترغیب قاچاقبران و مافیای داخلی و منطقوی به کشت کونار رو آورده اند، دامداران و مالداران ما همچنان به چوپانان پاکستان بدل شده اند و امروز تقریباً قسمت اعظم مواشی ما در اختیار پاکستان بوده و مطابق میل آنها به مارکیت عرضه میگردد، سرمایه داران ما بیشتر سرمایه های شان را به خارج کشور منتقل و با هزاران ریسک و آسیب پذیری به منافع خود و کشور های شامل حوزه سرمایه گذاری شان می اندیشند، تاجران ما در واردات و صادرات که امروزه به نازل ترین حد آن رسیده است تنها به منافع کوتاه مدت خودشان می اندیشند و کشور ما را به یک کشور مصرفی پاکستان، ایران و چین تبدیل کرده اند و این ها همه در سراسر حوزه فعالیت تجارتي شان در ایجاد محلات کار برای کشورهای مولد امتعه مصرفی یعنی پاکستان و ایران و چین فعال اند تا افغانستان. دولت و ارگانه های اداره اقتصاد بدون در نظر داشت ظرفیت مارکیت، معیار های علمی عرضه و تقاضا به هزاران و ده ها هزار اصناف در شهر ها جواز کار توزیع میدارند که به این ترتیب عده کثیری از این اصناف با از دست دادن سرمایه های سرمایه گذاری کرده شان در بازار که تقاضا در آن وجود ندارد به صف بیکاران افزوده و دامنه فقر روز تا روز وسیع تر شده و بصورت کل سطح تولید تقلیل یافته و قدرت خرید مردم پائین آمده و در نتیجه همه جامعه از آن متضرر میگردند. برای برون رفت از همه این بدبختی ها، مصیبت ها و آلام در گام نخست ترویج فرهنگ وطن دوستی، حب الوطن من الایمان، آگاهی عموم مردم از ارجحیت منافع ملی و کمک و تلاش برای نهادینه شدن یک حکومت مقتدر که سیطره آن سراسر کشور را پوشش دهد، این حکومت را مردم میتوانند با پشتیبانی همه جانبه شان مشروعیت دهند و اعتبار ملی و بین المللی آنها بلند ببرد تا این حکومت بتواند در عرصه داخلی تکیه گاه مطمئن و حافظ منافع مردم بوده دهقان، کارگر، سرمایه دار، تاجر، اصناف، کارمندان اداری و تجارتي در پناه چنین دولت مقتدر از آزادی ها و حقوق ارزشمند باشندده های کشور برخوردار شده و با پلانگذاری سالم و با استندرد های بین المللی همه تولیدات ما

اعم از زراعتی و صنعتی و صنایع دستی در بازار داخلی و مارکیت جهانی از اعتبار بزرگ برخوردار گردد. جلو مافیا، قاچاقیر، دزد، دهشت افگن، طالب، داعش و همه دشمنان را یک دولت مقتدر که از حمایت بی شایبه مردمش برخوردار باشد گرفته میتواند در غیر آن حق نداریم انگشت ملامت را سوی دولتی دراز کنیم که از حمایت خویش آنرا محروم داشته ایم و مکلفیت انسانی و وطنی خویش را در قبالتش انجام نمی دهیم. تا هر زمان و به هر پیمانهای که ما همه ما مکلفیت های ملی خویش را در راه منافع ملی که اهرم آنرا یک دولت مقتدر میتواند حفاظت کند انجام ندهیم این بلاها و مصیبت های بیشماری دیگر کشور و مردم ما را تهدید میکند و خواهد کرد.

قسمت نهم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada\\_a\\_q\\_melat\\_manafi\\_mili\\_daolat\\_۹.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۹.pdf)

قسمت نهم (۲) این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada\\_a\\_q\\_melat\\_manafi\\_mili\\_daolat\\_۹\\_۲.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۹_۲.pdf)

قسمت دهم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada\\_a\\_q\\_melat\\_manafi\\_mili\\_daolat\\_۱۰.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۱۰.pdf)

سمت یازدهم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada\\_a\\_q\\_melat\\_manafi\\_mili\\_daolat\\_۱۱.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۱۱.pdf)

### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

